

جایگاه وجدان اخلاقی در قرآن و روایات

نسیبه علمایی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۳

چکیده

وجدان ادراک باطنی است که انسان با آن مسیر کمال را می‌یابد. او به عنوان خودفرمانی درونی و راهنمای انسان گاهی از سلامت برخوردار است و گاهی به انحراف کشیده شده و به دلیل عدم اعمال تربیت دینی صحیح کارایی لازم را ندارد. وجدان در برخی از مکاتب اخلاقی غربی جایگاه مهمی دارد و زیربنای افعال اخلاقی معرفی شده و به عقیده کانت امری شگفت آور و صاحب قدرت محرک در امر قضاوت است. همچنین در مکتب روسو کارکردهایی برای وجدان تعریف شده که در این پژوهش به صورت خلاصه به آن پرداخته شده است. در این راستا این پژوهش در صدد تعریف جایگاه و تبیین کارکردهای وجدان در قرآن و روایات است. وجدان را کاربردهای گوناگونی است که تمایز نهادن میان آنها در این مبحث ضروری است.

کلیدواژه‌گان: وجدان، ملامت، انحراف، معالجه، امراض نفسانیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در وجدان هم در نظرگاه مکاتب اخلاقی غربی جایگاهی دارد و هم در مکتب اخلاق اسلامی، واژه وجدان در قرآن به طور مستقیم نیامده ولی آیات زیادی است که حول محور وجدان است و نیز روایات زیادی در مورد کارکرد و جایگاه آن در کتب حدیثی آمده است.

اندیشمندان اسلامی همچون آقایان مطهری، جعفری و مصباح در مورد وجدان تعاریف زیادی دارند. تعریف آیت الله مصباح در مورد وجدان اخلاقی این است: وجدان اخلاقی همان وجدان عقلانی است ولی در مرتبه‌ای بالاتر یعنی علاوه بر تمییز خیر و شر و نظارت بر اعمال، دارای ویژگی گرایش به خوبی و نفرت از بدی است. [به عبارت دیگر، وجدان (حس) اخلاقی، استعداد آدمی است نسبت به تمییز خیر و شر و گرایش طبیعی او به سوی خیر و گریز از شر] این صفت فطری در مرحله معینی از رشد و تحول بروز می‌کند و در واقع از عقل و سایر قوای نفسانی متمایز و مستقل نیست و احکام آن همان ادراکات و احکام عملی عقل است که آن نیز مستقل از ادراکات و احکام نظری عقل نیست (مصباح، ۱۳۶۸: ۱۸۱-۱۸۵).

اندیشمندان غربی که معروف‌ترین آن‌ها کانت و روسوی فرانسوی است، به وجدان امری شگفت آور نگریستند و او را اساس افعال اخلاقی شمردند. وجدان را مبتنی بر مکتب وجدان‌گرایی روسو، کارکردهای مختلفی است مانند تشخیص خوب و بد، دستور به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، راهنمای واقعی انسان و نشان دادن راه کمال و سرزنش گناهکار است.

سؤالاتی که مطرح است این است؛ اولاً این کارکردهای وجدان که در مکاتب اخلاقی غربی مطرح شده آیا در قرآن و روایات هم است؟ ثانیاً جایگاه وجدان در قرآن و روایات چیست؟ موضوعی که در کتاب نقد و بررسی مکاتب اخلاقی و دیگر کتب مهم و معروف اخلاق اسلامی مانند «اخلاق ناصری»، «معراج السعادة» و «فلسفه اخلاق» کمرنگ است. چنانچه در بستر مطالعات در این پژوهش گفته شده، کارآمدترین نظارت بر انحرافات جامعه خصوصاً جوانان، نظارت و کنترل فردی همان خودفرمانی و وجدان بیدارست، بر این اساس سومین سؤال به ذهن خطور شده این است؛ دادگاه وجدان و محاسبه گرچه

مواقعی از سلامت حقیقی برخوردار است و چه عوامل در منحرف شدن او دخیل است؟ این پژوهش در صدد پاسخ دادن به این سؤالات است.

مفهوم لغوی و اصطلاحی وجدان

واژه وجدان (Conscience) از «وجد» گرفته شده به معنی پیدا کردن، رسیدن، دست یافتن و غیره است. اگر در مورد خدا استعمال به معنی علم یافتن است (قاموس قرآن، ج ۷: ۱۴۵) مثلاً در آیه ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا﴾ (آل عمران / ۳۰) یعنی خدا در آن روز علم پیدا می‌کند، و حال آنکه خدا همیشه عالم است، جواب می‌گوئیم این عیبی ندارد، برای اینکه عبارت "روزی که" ظرف است برای علم خدا بدانچه که ما از احوال قیامت مشاهده می‌کنیم، نه به اصل روز قیامت (مختصر المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ۴۳۲). وجدان نخست به هر احساسی از خوشی و لذت و ناخوشی و ناپسندی اطلاق می‌شود، سپس به گونه‌ای از حالات نفسانیه اطلاق می‌شود که فقط به لحاظ عاطفی از چیزی لذت ببرد یا متنفر شود (انیس و دیگران، فرهنگ المعجم الوسیط، ۱۳۸۲، ج ۲: ۲۱۵۸).

ماهیت وجدان بدین صورت در روایات بیان شده، وجدان یکی از نیروهای درونی انسان است که به قولی واسطه بین دو عالم بیرونی و درونی و رهبری انسان را به عهده دارد. وجدان یکی از نیروهای تشخیص خوب و بد است. حواس خمس ظاهرند، روابطی است میان انسان و محیط خارج از او که به وسیله چشم و گوش و بینی و زبان و همه بشره تن برقرار می‌شود و در انسان روابط دیگری هم با خارج وجود دارد که از آنها به حواس باطنه تعبیر می‌کنند چون خیال و حافظه و واهمه و فکر و وجدان، و به وسیله این نیروها انسان با عالم نامرئی هم مربوط می‌شود و در حقیقت این قوه‌ها میانجی میان دو عالم مرئی و نامرئی مربوط با انسان است که از طرفی به وسیله حواس ظاهره با این عالم پیوست دارند و از طرفی با عالم دیگر (کلینی، ج ۱: ۴۹۰ - ۴۹۳).

مطلوب نهایی وجدان

وجدان سالم و دست نخورده هدف والایی را دنبال می‌کند و این هدف همان نقطه‌ای

است که در مسیر خودشناسی و خودسازی و کمال طلبی و سعادت‌مندی قرار دارد و هر انسان حقیقت جو و کمال جویی در رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌کند. در این مسیر انسان کوششی ابتدا برای شناختن خود (ارزش‌ها و استعداد‌های انسانی و...) و سپس برای ساختن خود دارد و در برابر هر جریانی می‌کوشد و به گونه‌ای عمل می‌کند که لغزشی از او سر نزند و در صدد کنترل نفس خویش است.

وجدان او نقش مراقب و نگهبانی برای او ایفا می‌کند که او را به اعمال نیکو ترغیب و تشویق می‌کند و از کارهای بد و ناروا دور می‌دارد. در امر تزکیه و تربیت این وظیفه مربی است که وجدان کودک را سالم و دست نخورده نگه دارد و در موارد لغزش او را هشدار و حتی کیفر دهد. انبیای الهی در طریق تربیت انسان‌ها با استفاده از این نیرو- که در نهاد هر کس وجود دارد- سعی می‌کردند آن‌ها را در مسیر شایسته‌ای قرار دهند و از آلودگی وجدان دور دارند.

آیا وجدان در قرآن جایگاهی دارد و چه مقتضیاتی برای وجدان در قرآن و روایات معتبر اسلامی موجود است. اکنون مقاله حاضر به جایگاه وجدان در قرآن و روایات می‌پردازد.

انگاره عملکردهای وجدان در قرآن

آیاتی در قرآن کریم شرف نزول نموده که بر وجدان و عملکردهای آن دلالت می‌کند:

۱. معرف حسن و قبح

وجدان در قرآن به عنوان یکی از منابع کسب معرفت یاد شده؛ در آیاتی نظیر ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ﴾ (انبیاء / ۷۳): «ما به این مردم وحی کردیم انجام دادن کارهای خیر را و به پا داشتن نماز را»؛ و نیز در آیه دیگری آمده: «خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] ره‌یافتگان‌اند» (حجرات / ۷). و آیه: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۖ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس / ۷ و ۸): «ما بدی‌ها و خوبی‌ها را به نفس الهام کردیم». هر انسانی قبح و حسن بعضی از اعمال را درک می‌کند و

می‌داند یعنی می‌فهمد قتل انسان بی گناه زشت و ناپسند است و حتی سارقان خوبی عدالت را می‌فهمند و انتظار دارند اموال به سرقت رفته عادلانه تقسیم شود.

۲. ملامتگر

خداوند متعال فرموده است: ﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾؛ و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت (الرحمن/۷). وجدان یک محک و میزان است که راحت شدن از آن کاری ساده و آسان نیست. اگر آدمی از آن تخلف کند دچار سرزنش می‌شود و این امر خود در رشد شخصیت و جلوگیری انسان از انحراف و تن دادن او به آنچه که مصلحت است نقش فوق العاده‌ای دارد، و در آیه ﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾ (قیامة/ ۲) مراد وجدان و درک آدمی است. نفس ملامتگر که صاحبش را ملامت می‌کند؛ یعنی قوه‌ای در وجود انسان هست که وقتی انسان کاری را انجام می‌دهد، با خود انسان حرف می‌زند و او را ملامت می‌کند. در قیامت افرادی به شیطان می‌گویند: تو ما را بدبخت کردی. ﴿وَلَوْ مَوَّأْنَا فَمَا لَنَحْنُ بِمُؤْمِنِينَ﴾ (ابراهیم/۲۲) خودتان را ملامت کنید. ﴿فَلَا تَلْمُزُونِي﴾ من را ملامت نکنید. ﴿وَلَوْ مَوَّأْنَا لَنُفْسُكُمْ﴾ یعنی چه؟ یعنی تو خودت هم می‌دانی چه کرده‌ای!

۳. قاضی

قرآن از وجدان بت‌پرست‌ها می‌پرسد: ﴿مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (یونس/۳۱) واقعاً چه کسی رزق می‌دهد؟ ﴿أَمْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ﴾ (یونس/۳۱) ﴿وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ﴾، ﴿وَمَنْ يُدْبِرُ الْأَمْرَ﴾، ﴿فَأَيُّنَ تَذْهَبُونَ﴾ (تکویر/۲۶)، ﴿فَأَيُّنَ تَوْفَكُونَ﴾ (انعام/۹۵) ﴿كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس/۳۵) و آیاتی که دال بر این نکته هستند که ای انسان وجدانت را قاضی کن، مانند در قیامت خطاب به انسانها می‌گویند: ﴿اقْرَأْ كِتَابَكَ﴾ (اسراء/۱۴) لوحی باز می‌شود و می‌گویند کارهایت را بخوان. نامهات را بخوان.

﴿كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾: «خودت بگو با تو چه کار کنیم. هر طور خودت گفتی انجام می‌دهیم. تو وجدان داری؟» هر نفسی از اینکه چه کرده و می‌کند باخبر است.

۴. حسابگر

روشن است محاسبه در امر دین و برای کسب فضائل و رفع رذایل مفید فایده است در مورد محاسبه نفس در منابع اسلامی اعم از آیات و روایات اشارات پر معنایی دیده می‌شود. آیات زیادی از قرآن خبر از وجود نظم و حساب در مجموعه جهان آفرینش

می‌دهد، و انسان‌ها را به دقت و اندیشه در این نظم و حساب دعوت می‌کند؛ از جمله، می‌فرماید: «آسمان را برافراشت و میزان و قانون در آن گذاشت، تا در میزان طغیان نکنید و از مسیر عدالت و حساب منحرف نشوید» (الرَّحْمَنُ / ۷ و ۸)؛ و از سوی دیگر قرآن مجید در آیات متعددی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ﴾ (بقره / ۲۸۴): «اگر آنچه را در دل دارید آشکار کنید یا پنهان نمایید، خداوند شما را بر طبق آن محاسبه می‌کند».

این مسأله به قدری مهم است که یکی از نام‌های روز قیامت، «یوم الحساب» (ص/۲۶) است. مسأله حساب در قیامت به قدری روشن و آشکار است که انسان را در آنجا حسابرس خودش می‌سازند، و به او گفته می‌شود: «در آن روز به انسان گفته می‌شود: [نامه اعمال را بخوان، کافی است که امروز خود حسابگر خود باشی]» (اسراء / ۱۴). محمد تقی جعفری به نقش شگرف «وجدان اخلاقی» در شکل‌گیری و تحول شخصیت آدمی توجه دارد، و به گونه‌ای که گفته است: «شخصیت بدون وجدان به هیچ پایه و اساس منطقی متکی نمی‌باشد» (جعفری، وجدان: ۶). بر این اساس اخلاق با وجدان آدمی مرتبط است.

انگاره وجدان در روایات

از بعضی از روایات اسلامی استفاده می‌شود که وجدان آگاه و سالم که از آن به واعظ درون تعبیر می‌شود، نقش مهمی در پیمودن راه تکامل اخلاقی و تقوا دارد، بلکه بدون آن پیمودن این راه مشکل است.

کارکردهای وجدان در روایات

۱. وجدان دادگاه قضاوت

در «توحید» مفضل آمده: «.. و یحتمل أن یكون المراد ان الوجدان یحکم بتضاد آثار الأمور»: «عقل به وجدان خود حکم می‌کند که علت یک نظام شخصی، یک کس می‌باشد و اگر در خانه دو کدخدا باشد، احوال خانه مختل می‌شود، چه جای این عالم کبیر» (توحید مفضل، ترجمه علامه مجلسی: ۵۵).

۲. نیروی تشخیص خوب و بد

اسلام برای وجدان انسان اصالت قائل شده است. حدیثی از پیامبر اسلام منقول است که فرمود: «الْصِّدْقُ طُمَأْنِينَةٌ وَالْكَذِبُ رَيْبَةٌ» (کافی: ۲ / ۵۴). راستی یک اطمینانی به دل می‌دهد و دروغ در دل ایجاد شک می‌کند. علاقه و رابطه‌ای هست که دل انسان حرف راست را زود می‌پذیرد ولی حرف دروغ را (بدون اینکه قرینه‌ای بر دروغ بودن آن داشته باشد) با تردید قبول می‌کند (مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۱: ۲۶۰).

۳. وجدان داروی اندوه

در حدیث وجدان را دارو معرفی نموده: «الْوَجْدَانُ سُلْوَانٌ» (لیثی، عیون الحکم والمواعظ: ۳۵). مراد به «سلوان» دوائی باشد که حزن و اندوه را برد که اطببا آن را مفرح گویند (شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم: ۱ / ۲۹).

۴. وجدان محاسبه‌گر

انسان، نفس خویش را به پای میز محاکمه بکشاند و در دادگاه وجدان، اعمالش را محاسبه کند و شب و روز خویش را به تفریط سپری نسازد، سید بن طاوس (اعلی الله مقامه) در رساله‌اش سفارش می‌کند که انسان لا اقل ساعتی از شبانه روز را به محاسبه نفس خویش اختصاص دهد و آنچه را فرشتگان به حسابش نوشته‌اند مطالعه کرده و از پیشگاه خدای بزرگ بر کارهای زشتش پوزش بخواهد و خود را برای فردایی بهتر و انجام کارهای نیکوتر آماده سازد و بسیار بجاست که این اندرز را همگان به کار گیرند و همانگونه که «عمل تجارت» را در دفاتری ثبت و ضبط می‌کنند «تجارت عمل» را هم در «عمل نامه» ای ثبت نموده و همه روزه مورد مطالعه قرار دهند و از این طریق است که «نفس لوامه» و وجدان هشدار انسان بیدارتر گشته و «نفس اماره» را مورد عتاب و سرزنش قرار می‌شود به همین جهت آن روز کافی است خود انسان قاضی خویشتن باشد ﴿كَلِّفِي بِتَنْفُسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ بنابراین احصاء تنها تعداد کردن و شماره نمودن معنی نمی‌دهد بلکه نتیجه‌ای که از احصاء به دست می‌آید این است که در روز حساب اعمال مجسم شده و در برابر انسان حاضر می‌شود و راه مجادله و مباحثه را در محکمه عدل الهی می‌بندد زیرا به قدری این آمار دقیق و جامع الاطراف و دارای حساب و شماره روشن است که حتی کافران که انکارکنندگان حقایق اند زانوی تسلیم به زمین می‌سایند

و برای نجات از فشار وجدان و عذابی که در پیش دارند آرزوی خاک شدن را می‌نمایند (محاسبه نفس یا روش پیشگیری از وقوع جرم: ۸۸ و ۱۰۶).

در روایات اسلامی، مسأله حسابگری نفس به صورت گسترده مطرح است؛ از جمله در حدیث معروف رسول خدا (ص) می‌خوانیم: ﴿حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُزْنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ﴾: «خویشتن را محاسبه کنید پیش از آنکه به حساب شما برسند و خویشتن را وزن کنید قبل از آنکه شما را وزن کنند! او ارزش خود را تعیین کنید پیش از آن که ارزش شما را تعیین نمایند» و آماده شوید برای عرضه بزرگ روز قیامت» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق: ۶۷/۷۳، باب ۴۵).

از امام صادق (ع) مروی است، می‌فرماید: «بر هر مسلمانی که معرفت ما را دارد لازم است که اعمال خود را در هر روز و شب، بر خویشتن عرضه بدارد، و حسابگر نفس خود باشد؛ اگر حسنه‌ای مشاهده کرد برای افزودن آن کوشش کند، و اگر سیئه‌ای ملاحظه نمود از آن استغفار نماید، مبدا روز قیامت رسوا گردد!» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۳۰۱).

۵. وجدان تلاشگر

در روایت «قَرْنَ الْجِتْهَادُ بِالْوَجْدَانِ»: «اجتهاد و تلاش با وجدان همنشین است» (لیثی، عیون الحکم والمواعظ، الفصل الثانی: ۳۶۹)، انسان با وجدان تلاش و مجاهدت می‌کند.

۶. وجدان ملامتگر

نفس لوامه یا حالت ملامتگری و بیداری وجدان آگاه انسان که بعد از کسب خوبی‌ها اگر باز هم انسانی که به بنی آدمی رسیده است کار زشتی انجام دهد در دادگاه درونی و از سوی قاضی نفس ملامتگر تنبیه و مؤاخذه می‌شود تا مشمول آیه ﴿الْمُرْءَاءُ عَاهِدُوا لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَتَّبِعُوا الشَّيْطَانَ...﴾ (یس/۶۰) قرار نگیرد و پیمان فطرتش به یادش می‌آید و از همان زشتی کم هم دوری می‌کند (مفردات الفاظ قرآن: ۴/۱۷۳/لوم).

۷. حافظ و نگهبان قلب و زبان

یکی از کارکردهای وجدان مراقبت و محافظت است. از این رو امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاعِظًا فَإِنَّ مَوَاعِظَ النَّاسِ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُ شَيْئًا»:

«آن کس که در قلب خود واعظی برای خود ندارد، موعظه موعظه کنندگان، فایده‌ای به حالش نمی‌بخشد» (تحف العقول: ۲۹۲؛ سفینه البحار: ۵۳۶).

۸. واعظ درونی

در حدیثی از امام سجّاد (علیه السلام) آمده است که فرمود: «إِنَّ أَدَمَ إِتَكَ لَا تَزَالُ بَخِيرَ مَا كَانَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ، وَمَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ»: «ای فرزند آدم! تو همواره در مسیر خیر و خوبی قرار داری مادام که واعظی از درون داشته باشی، و مادام که حسابرسی خویشتن از کارهای اصلی تو باشد». شبیه همین معنی با کمی تفاوت نیز از آن حضرت نقل شده است (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق: ۱۳۷/۷۵، باب ۲۱).

در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه نیز چنین آمده است: «آگاه باشید آن کس که به خویش کمک نکند تا واعظ و مانعی از درون جانش برای او فراهم گردد، موعظه و اندرز دیگران در او اثر نخواهد داشت» (خطبه ۹۰).

بدیهی است در این راه انسان بیش از هر چیز نیاز به واعظی دارد که در همه حال با او باشد و از اسرار درونش باخبر گردد، و همواره او را تحت مراقبت خود قرار دهد؛ و چه عاملی جز واعظ درون یعنی وجدان بیدار می‌تواند این نقش را عملی کند، و در لغزش‌ها و خطاها در اولین فرصت به انسان هشدار دهد و او را از سقوط در پرتگاه انحرافات اخلاقی بازدارد.

ارتباط وجدان با روح و عقل

مسأله ارتباط وجدان با روح و روان و نفس انسان در برخی از آیات و روایات اشاره شده، به طوری که در داستان حضرت ابراهیم (ع) بعد از شکستن بت‌ها آمده: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ» (انبیاء / ۶۴): هر یک به نفس خود خطاب کرد که: «تو چقدر ظالمی که جماد بی‌زبان را می‌پرستی؟ در این آیه مفهوم روح و وجدان مترادف یکدیگر هست پس وجدان اخلاقی که در تعریف آن آمده است که آگاهی به بعضی از شئون شخصیت، آگاهی به خود به طور عموم تمام شخصیت را مورد توجه قرار می‌دهد، با نمودهای گوناگونش از فعالیت‌های روح به شمار می‌رود. به نظر ژان ژاک روسو وجدان صدای روح است و شهوت صدای جسم، نسبت وجدان به روح مانند نسبت غریزه است

به بدن (مصباح یزدی، فلسفه اخلاق: ۲۰۲). علاوه بر مطالب پیش گفته در این مقاله قرآن سالم بودن وجدان در مواقعی و انحراف داشتن وجدان در مواقع دیگر می‌پذیرد. به بیان دیگر وجدان گاهی تغییر می‌کند اکنون به این موضوع پرداخته می‌شود.

وجدان سالم و منحرف

سؤال مطرح است و آن این است که وجدان ثابت است یا متغیر؟ شهید مطهری در پاسخ به سؤال «آیا وجدان تغییر می‌کند؟» می‌گوید: «در اینکه وجدان انسان فی الجمله تغییر می‌کند، بحثی نیست. اما اینکه تغییر می‌کند یعنی چه؟ آیا خودش فی حد ذاته تغییر می‌کند؟ یا نه، مثل هر قوه‌ای از قوا تغییر می‌کند، احیاناً فاسد می‌شود و خوب کار نمی‌کند مانند همه دستگاه‌ها. هر دستگاهی آن وقت اثر خودش را می‌بخشد که سالم باشد، اگر مریض بشود خوب کار نمی‌کند. یک اتومبیل وقتی که خراب شد دیگر خوب کار نمی‌کند. چشم می‌بیند اما یک وقت هست که دیگر کار نمی‌کند و نمی‌بیند. انسان یک وقت مریض می‌شود، چشمش زردی می‌آورد، دنیا را زرد می‌بیند. اما این دلیل آن نیست که چشم در کار دیدش ثابت نیست؛ بلکه به این معنی است که انحراف پیدا می‌کند و در حال انحراف کج می‌بیند، یک چیز را دو چیز می‌بیند، همه چیز را سیاه می‌بیند. این، با آن حرف خیلی فرق می‌کند. حرف برخی‌ها این است که اساساً وجدان‌ها متغیر است. اما قرآن می‌گوید وجدان‌ها ثابت است ولی ممکن است مریض بشوند. اگر مریض شد خوب کار نمی‌کند. آیه ﴿أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (فاطر/ ۸) آیا آن کس که کار بدش در نظرش خوب جلوه کرده است، کار بد خویش را خوب می‌بیند؟ کج فهمی و خوب پنداشتن بدی‌ها، مانع پند پذیری و توبه و تکامل و رشد و موجب گمراهی است. «زُيِّنَ لَهُ - يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ». بر این اساس، قرآن می‌پذیرد که انسان گاهی کار بدش را خوب می‌بیند، اما [این سخن را] روی این حساب نمی‌گوید که وجدان ذاتاً متغیر است. می‌خواهد بگوید که وجدان مانند هر چیز دیگری در هنگام سلامت، خوب کار می‌کند و در هنگام انحراف، عوضی (مطهری، مجموعه آثار: ۲۱ / ۲۶۱).

انگاره وجدان در نظر فیلسوفان غربی

۱. انگاره وجدان در مکتب کانت آلمانی

وجدان یکی از اساسی‌ترین عناصر درونی وجود انسان است که کانت اخلاق را بر آن بنا می‌کند. انسان به تبع داشتن عقل، از وجدان بهره مند است و مدام به نیکی و خیر فرا خوانده می‌شود.

جیمز ریچلز در کتاب خود «عناصر فلسفه اخلاق» در تعریف مختصر از برداشت حداقلی از اخلاق می‌گوید: «فاعل اخلاقی با وجدان کسی است که بی طرفانه منافع کسانی را که تحت تأثیر رفتار او هستند، در نظر می‌گیرد» (عناصر فلسفه اخلاق، ۱۳۹۲: ۳۸). در تعریف وی فاعل اخلاقی با وجدان آمده، این نشان می‌دهد وجدان آدمی خواستار انصاف و عدالت است.

کانت معتقد است که فعل اخلاقی آن است که صرفاً به حکم حس تکلیف انجام شود نه از روی تمایلات و عادت. تکلیف از ناحیه وجدان سرچشمه می‌گیرد و وجدان همان است که در فطرت هر کس وجود دارد.

وجدان عبارت است از آگاهی که فی نفسه تکلیف است، پس وجدان مبدأ افعال اخلاقی است. کانت بر این عقیده بود که کسی که فاقد احساس اخلاقی است یعنی هیچ زشتی از شر اخلاق و هیچ تحسینی از خیر اخلاقی نمی‌کند، فاقد وجدان است و کسی که از اعمال زشت نمی‌پرهیزد مگر از ترس اینکه از او شکایت شود از اعمال زشت خود کراهت ندارد، بلکه از نتایج ناگوار این اعمال اکراه دارد، چنین کسی دارای وجدان نیست و فقط از یک شبهه وجدان برخوردار است. «اما کسی که به نفس زشتی اعمال توجه دارد، نتیجه هر چه می‌خواهد باشد، از وجدان اخلاقی برخوردار است».

فرق مکتب کانت و مکتب اخلاقی اسلام این است که کانت انسان را موجودی اخلاقی می‌داند که ذاتاً و به طور غریزی دارای وجدان است. وی وجدان را امری شگفت آور تلقی می‌کند. کانت کار اخلاقی را زمانی اخلاقی می‌داند که به نیت ادای تکلیف و انجام وظیفه انجام شده باشد این وجدان انسان است که برای او تعیین تکلیف و وظیفه می‌کند، کانت وجدان را مبدأ افعال اخلاقی می‌داند اما فعل اخلاقی از دیدگاه اسلام آن است که انگیزه الهی داشته باشد در اسلام کاری خوب است که برای رضایت خداوند شود یعنی هم

حسن فاعلی و هم حسن فعلی داشته باشد که مایه سعادت ابدی گردد. بنابراین در نظریه کانت وجدان یک احساس مقدس در درون انسان است ولی وجدان اخلاقی چنانکه در اسلام توصیف می‌شود به آن فعلیت و قدرتی که کانت فرض کرده نیست بلکه شدت و ضعف دارد و تا اندازه‌ای بالقوه است (مجتبوی، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳).

۲. انگاره وجدان در مکتب ژان ژاک روسو فرانسوی

بینانگذار مکتب وجدان‌گرایی، ژان ژاک روسو (۱۷۱۲-۱۷۷۸م) معیار ارزش‌های اخلاقی مطابقت یا مخالفت با وجدان اخلاقی انسان می‌داندست به نظر وی آنچه با وجدان اخلاقی سازگار است، خوب و هر آنچه با وجدان آدمی ناسازگار باشد و موجب آزردهی وجدان آنان شود، بد است.

مکتب وی کارکردهایی برای وجدان قائل بود: تشخیص خوب از بد، دستور به انجام کارهای صواب و خوب و ترک کارهای بد، نشان دادن راه صحیح تکامل به انسان، سرزنش کردن انسان گناهکار، راهنمای واقعی انسان (نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، مصباح یزدی: ۲۲۸-۲۳۱).

انسان در مراحل تزکیه نفس و اخلاق خود متوجه می‌شود که عقل ارتباط تنگاتنگی با وجدان دارد به صورتی که وقتی گناهی انجام می‌دهد برای توبه از آن گناه ابتدا وجدان، او را شکنجه می‌دهد که برای چه این گناه را انجام دادی. این نکته نباید فراموش شود که عذاب وجدان و شکنجه به قدری باشد که انسان را ناامید کند به طوری که دچار افسردگی و اضطراب شود. پس خوف و رجا در اینجا کاملاً متعادل باشد نه خوف بر رجا غلبه کند و نه رجا بر خوف. بنابراین وجدان یکی از عوامل مهم برای تزکیه نفس و اخلاق و توبه انسان از گناهی است که انجام داده است.

به عقیده روسو وجدان انسانی او را وادار می‌کند که به سوی خیر برود و اگر منحرف شود او را مؤاخذه می‌کند. راه تحصیل اخلاقیات گوش دادن به ندای وجدان و فطرت انسانی است (مصباح یزدی، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی: ۲۳۴).

حقیقت مسأله این است که اگر وجدان تحلیل و بررسی شود این نتیجه دست یافتنی است که وجدان اخلاقی در جهتی که مربوط به شناخت خوب و بد است همان عقل

است، شناخت کار عقل است (همان: ۲۳۵).

مطلب دیگر هم در تحلیل روان‌شناختی ستایش و سرزنش انسان قابل توجه است: «انسان یک ملکاتی دارد که در اثر کمک علم و عمل برای او حاصل می‌شوند. ارزش‌های شناخته شده با تکرار عمل برای شخص ملکه شده پس اگر انسان کار را بر خلاف آن‌ها انجام دهد موجب ناراحتی و آزرده‌گی انسان می‌شود؛ علت ندامت و پشیمانی پس از انجام برای این است که انسان می‌فهمد کمالی را از دست داده و نقصی در انسانیتش پدید آمده و انسان سرمایه عظیم معنوی را از دست داده از این رو خودش را سرزنش می‌کند اما اگر ارزش‌های دیگری برای خود تعریف کرده یا نه یعنی از ابتدا اساس معرفتی وی در خطا باشد و در محیطی رشد کرده که ارزش‌های انحرافی را به او تعلیم داده باشند در آن صورت هرگز وجدانش از ارتکاب گناهان آزرده نمی‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت وجدان هم درک می‌کند و هم قضاوت می‌کند و حکم می‌دهد و افراد را مورد تحسین و تقبیح قرار می‌دهد و وجدان هیچ مبنای عقلانی و فلسفی ندارد» (نقد و بررسی مکاتب اخلاقی: ۲۳۵-۲۳۶). مکتب وجدان‌گرایی ملاک درستی و نادرستی را مطابقت یا مخالفت با وجدان می‌داند، با وجود تعبیراتی که در آیات و روایات در مورد وجدان است که برخی از آن‌ها در پژوهش حاضر اشاره شد، شایان ذکر است مکتب وجدان‌گرایی در بیان حقیقت اخلاق عاجز است. وجدان آدمی گاهی سالم و گاهی ناسالم است؛ بر این اساس در مواردی که بحث تمایلات نفسانی و غلبه آن‌ها بر عقل انسان است. در این صورت وجدان نمی‌تواند کارش را به خوبی انجام دهد برای همین ضعیف عمل می‌کند؛ ولی مکتب اخلاقی ملاک درستی و نادرستی را در رساندن به یا دور کردن از «کمال مطلوب و قرب الهی» می‌داند. در مواقعی وجدان در اثر تعلیم نادرست ضعیف است و قدرت لازمه را ندارد، انگیزه رسیدن به کمال مطلوب و سعادت دنیوی و اخروی در همه حال فراگیر است و مبنای عقلانی دارد. اکنون در این مقاله مسأله‌ای که مطرح است این است که در چه مواقعی وجدان آدمی از سلامت برخوردار است و کارایی لازم را دارد و چه عواملی باعث انحراف در وجدان می‌شود یا باعث خاموشی چراغ وجدان می‌گردد؟ ابتدا به موضوع اسباب و عوامل سلامت پرداخته می‌شود.

عوامل سلامت وجدان

۱. تأثیر ایمان و توکل بر وجدان

ایمان عبارت از یک وجدان و عقیده‌ای است که در دل هر فرد محقق می‌شود و نتیجه فردی دارد که عبارت از رسیدن به ثواب و رضوان الهی در این دنیا و در سرای دیگر آخرت است.

توکل به خدا که از ایمان به توحید نشأت می‌گیرد، به هر فرد نیروی استقلال و اعتماد به نفس می‌دهد و فرد را با وجدان و با شخصیت به بار می‌آورد و او را از هرگونه بردگی و تسخیر دیگری آزاد می‌کند و پایه این عقیده این است که هیچ نیرویی بر انسان تسلط ندارد جز همان نیروی معنوی که قائم به وجدان شخصی او است، و این عقیده انسان را در برابر هر توهم و هر زوری نیرومند و مبارز می‌سازد و از سخره اوهام و خرافات آزاد می‌کند و از تسلط ستمگران زمینی رهایی می‌بخشد و در اینجا بیان شده که اعتقاد به هرگونه مؤثری جز خدا بر اساس جهل است و در ضمن انسان را موظف کرده به مبارزه با هر نیروی اهریمنی که با اساس علم و دانش و اعتقاد به خدای یگانه مخالف است و دعوت به فساد و تباهی می‌کند و انسان آزاد را به بردگی می‌کشاند و آن از نظر اعتقادی دو چیز است: مرحله تکامل فرد است و سرانجام معنوی او که عبارت از وجدان شخصیت کامل است و از آن به این جمله تعبیر شده است که «و الی المصیر» اجتماع برای فرد گذرگاهی بیش نیست که چند صباحی در آن وارد شده است و به ناچار آن را ترک می‌کند و به یک سرانجام مبهم و ناپیدا و ابدی منتقل می‌شود که در ضرب المثل معروف از آن تعبیر شده است که از نظر خود فرد و دریافتی که او درباره خود دارد و خود را خوشبخت می‌داند یا بدبخت، از وضع خود راضی است یا ناراضی، وجدان او آرام است و خویش را فردی انجام وظیفه کن می‌شناسد یا خود را بدکردار و تبه‌کار می‌شناسد.

۲. تذکر و یادآوری در برابر غفلت

در قسمتی از نامه /امام سجاد به محمد مسلم زهری تذکر از راه‌های بیدار کردن وجدان بیان شده: «مپندار که مراد من توبیخ و پرخاش و سرزنش کردن به توست، ولی می‌خواهم که خداوند(وجدان) از دست رفت‌ها را زنده کند و آنچه از دینت را که در

پرده (دنیادوستی) پنهان شده به تو بازگرداند و گفته خدا را در کتابش فرا گیر تا یادت آرام شود که فرمود: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»: یادآوری کن زیرا یادآوری مؤمنان را سود بخشد» (ذاریات/۵۵) (ترجمه تحف العقول: ۲۸۲).

۳. استقامت

موضوع کنترل خود از طریق مقاومت کردن در برابر افکار شک آلود و نادرست و احساسات باطنی و بیماری دل و روح مانند کینه، حسد، خشم و... همچنین در شبهات منفی غوطه ور نشدن از جمله دلایل سلامت وجدان است در نامه ۳۱ وصیت نامه امام به فرزندش / امام حسن مجتبی (ع) در نهج البلاغه آمده است: «وَعَوِّذُ نَفْسِكَ التَّصَبُّرَ عَلَى الْمَكْرُوهِ وَنِعْمَ الْخَلْقُ التَّصَبُّرُ... فَلْيَكُنْ طَلَبُكَ ذَلِكَ بِتَفَهُمٍ وَتَعَلُّمٍ لَّا يَتَوَرَّطُ الشُّبُهَاتِ» خویشتن را در برابر مشکلات بر استقامت عادت بده و در تمام کارها خود را به پروردگارت بسپار. اگر نفس تو افکار صالحان را نمی پذیرد پس باید از راه فهم و یادگیری آن را به دست آوری نه اینکه در شبهات غوطه ور شوی. اکنون با توسعه اینترنت دشمنان دین و عقاید شبهات فراوانی در این فضاها به راه انداختند و جوانی که اطلاعات کافی ندارد زود خود را می بازد و اعتقادش سست تر می شود. این سفارش / امام علی به هر جوانی خصوصاً شیعه، راهگشا است. راه ایستادگی در برابر تهاجم عقیدتی، صبر و تحقیق و تعلیم و تلاش در فهم مسائل ضروری است. این مقاومت و ایستادگی نشانه سلامت وجدان و از راههای بیدار کردن او است.

۴. تفکر و اندیشه

بهترین راه مبارزه با هوای نفس و بیدار شدن وجدان پس از کسب معرفت و درمان بیماری های دل و چیره شدن بر هوای نفس، تفکر و اندیشیدن است، تفکر درباره عواقب سوء تبعیت از هوای نفس و آثار نیک ایمان آوری و عمل به مقتضای آن است چراکه ریشه همه فعالیت های آدمی خوف و رجا است» (مصباح، اخلاق در قرآن: ۱/ ۱۸۸-۱۸۹). باور به مسأله معاد و عقاب و عذاب الهی و ایجاد ترس برای بیداری وجدان ضروری است. هر جا نفس آدمی دچار انحرافی شد و پای از حد مقررات الهی فراتر گذاشت با تفکر در مورد عقاب و مجازات الهی جلوی لغزش وی گرفته می شود.

۵. رعایت حد اعتدال

به نظر / ارسطو، ما انسان‌ها دارای قوای متعدد نفسانی هستیم و همه صفات نفسانی ما محصول این قوای نفسانی‌اند. هر صفتی از صفات نفسانی انسان یا حالت افراط و یا تفریط صفتی دیگر است و یا حدّ وسط دو صفت دیگر. از این رو، چنانچه قوای نفسانی ما انسان‌ها (قوه غضبیه و شهویه) در وضعیتی معتدل به سر برند (یعنی تحت حاکمیت عقل باشند) صفاتی که از آن‌ها حاصل می‌شود، فضیلت است و در غیر این صورت، رذیلت به شمار می‌آیند. / ارسطو برای نظام اخلاقی خود، اصولی بیان کرده، که مهم‌ترین آن‌ها اصل «اعتدال» است. مثال: افراط (تهور) رذیلت؛ حد وسط (شجاعت) فضیلت؛ تفریط (جبن) رذیلت «(مصباح، نقد و بررسی مکاتب: ۳۱۴-۳۱۶).

عوامل انحرافی وجدان

۱. غرایز و امیال نفسانی

تا انسان است میل‌های مادی و غرایز نیز در وجود او هستند و تا کشش‌های غریزی است زمینه انحراف وی فراهم است. باید توجه داشت ارضای این غرایز خودبه‌خود بد نیست بلکه افسارگسیختگی و رعایت نکردن اوامر و نواهی الهی و حد اعتدال در ارضای آن‌ها موجب انحراف بوده و انسان را از غایت و هدف ارزشمندش (سعادت و کمال) محروم می‌سازد.

آیاتی در کتاب هدایتگر شرف نزول یافته و نمایانگر این است که شهوات و هواهای نفسانی ایجادکننده انحرافات در وجدان و روح انسانی است (آل عمران/۱۴؛ ص/۲۶)؛ پیروی از شهوات و هوای نفس از عوامل انحراف درونی انسان است (نساء/۱۳۵)؛ اعراف/۱۷۶؛ جائیه/۲۳).

به نظر قرآن تنها غرایز حیوانی و مادی مسبب انحرافات نیست بلکه گرایش‌های متعالی که سمت و سوی دنیوی گرفته از مصادیق آن است مانند عزت خواهی (نساء/۱۳۸-۱۳۹) و برتری جویی و استعلا که از ساحت کمال طلبی به سلطه طلبی تنزل یافته (قصص/۴)، نارسایی شخصیت (مائده/ ۸) که این آیه به یکی از عوامل انحراف از عدالت اشاره نموده، به مسلمانان چنین هشدار می‌دهد که نباید کینه‌ها و عداوت‌های

قومی و تصفیه حساب‌های شخصی مانع از اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد، زیرا عدالت از همه این‌ها بالاتر است و نیز این آیه بیانگر تأثیر و نقش کینه و نفرت در انحراف وجدان را یادآور می‌شود، تأثیر حسادت در ظهور رفتار انحرافی (یوسف/۸-۹) و نقشه شوم قتل کشیدن برای یوسف توسط برادرانش، رفتار نامتعادل و کور شدن وجدان هنگام عصبانیت (اعراف/۱۵۰) خشم جنونی است که دفعته‌اً عارض می‌شود و صاحب آن بعد از آن پشیمان خواهد شد.

بدیهی است که هنگام خشم انسان از اطاعت وجدان و عقل خارج می‌شود و لحظه‌ای دیگر وقتی خشم فروکش کرد و وجدان خواب بیدار شد شدیداً صاحب خود را سرزنش می‌کند. بر این اساس قرآن می‌پذیرد که حالات ویژه روحی چه متغیر و گذرا و چه ثابت در شکل‌گیری رفتار به طور کلی و وجدان منحرف به طور خاص تأثیر دارد.

۲. عقیده و باور

باور و بینش غلط زمینه ساز انحراف است؛ مانند عدم اعتقاد به آخرت (نحل/۲۲) و خدا فراموشی (حشر/۱۹ و کهف/۲۸) که در ظهور وجدان کج‌رو، مؤثر است.

۳. غفلت و بی‌خبری

غفلت راه‌های معرفتی که خدا به انسان عطا فرموده مثل چشم، گوش و قلب را مسدود و غیر قابل استفاده می‌کند. قرآن غافلان را مانند چهارپایان توصیف نموده (اعراف/۱۷۹). غفلت ریشه انحرافات است در قرآن به آن اشاره نموده. یکی از مواردی که غفلت از آن راه انحراف را به روی انسان باز می‌کند، غفلت از قیامت و آخرت است (روم/۷؛ نمل/۶۶).

در حقیقت غفلت آفتی است برای وجدان و موجب کور شدن او می‌شود و در مقابل غفلت ذکر و یادآوری قرار می‌گیرد. ذکر یعنی خارج کردن مردم از غفلت (مصباح، اخلاق در قرآن: ۱/۱۵۰).

۴. گناه

همانگونه که گناه قلب را کدر می‌کند (مطففین/۱۴)، چراغ هدایتگر وجدان را خاموش می‌کند. گناه راه درک و فهم اعضای ادارکی انسان را مسدود می‌کند (بقره/۷) و به قول دیگر وجدان را هم کور می‌کند. راه درمان خاموشی و کوری وجدان در توبه و برگشتن

است. توبه در لغت به معنای رجوع و برگشتن به سوی خداست (جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن: ۱۵۶). ذات اقدس اله در قرآن به همه مؤمنان دستور توبه می‌دهد (نور/ ۳۱).

۵. موقعیت بیرونی

عوامل بیرونی نیز به نوبه خود ایجادکننده انحرافات است، برخی از متغیرهای محیطی مثل نبود کنترل و مراقبت پلیسی و مادرانه و پدرانه، معاشرت با دوستان نااهل و ناباب یا فقدان هنجارهای ثابت از قبیل دفع مانع شمرده شده و این عوامل نقش تغییر در بینش و برداشت انسان را داشته و اصل تغییر درون و وجدان انسان در پیدایش انحراف اساسی‌ترین اصول است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا أَمَانًا فَسَاهُمْ﴾: در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد/ ۱۱).

تأثیر همنشینی با افراد ناصالح مانند آیه‌های زیر که از معاشرت با کسانی که آیات را به سخره می‌گیرند یا دوستی با ستمکاران کفرپیشه پرهیز داده است (نساء/ ۱۴۰؛ فرقان/ ۲۷-۲۹)؛ تأثیر عرضه و محیط مساعد در ایجاد انحراف مانند آیه نور/ ۵۸ که از لزوم اجازه خواستن فرزندان برای ورود در اتاق استراحت زن و شوهر سخن می‌گوید. عصر کنونی عصر ارتباطات است. بی تردید گسترش چشمگیر رسانه‌ها، گسترش انحرافات را به دنبال دارد. به طوری که ترس از تخریب مبانی اخلاقی و اجتماعی ناشی از هجوم اطلاعات فسادانگیز از طریق اینترنت واکنشی منطقی است. یکی از مشکلات یا آسیب‌های اجتماعی که افراد را در معرض سقوط اخلاقی قرار داده، انحرافات جنسی است و در مقابل آن نظارت و کنترل فردی قرار می‌گیرد، شخص با بهره‌گیری از وجدان و مبانی اخلاقی و تعهد دینی مراقبت‌های لازم را در مورد شبکه‌های فسادانگیز به عمل می‌آورد. خود فرمانی عقلانی و درونی افراد از طریق خانواده که بهترین عامل تربیتی، در جهت‌دهی فرزندان به سوی نظارت درونی نقش عمده ایفا کرده و با دست‌مایه‌های فطری و الهی آنان را از درون ناظر بر اعمال و رفتار خود نمایند، و این امکان‌پذیر نیست مگر اینکه والدین خود نیز از این دست‌مایه‌های درونی بهره‌مند شده باشند. بعد از خانواده، گروه دوستان و معاشرت با افراد متدین و دوری از محیط‌های نامطلوب و وسایل منحرف‌کننده سبب می‌شود تا زمینه انحراف ایجاد نشود.

یکی دیگر از آیاتی که برای هدایت درونی اهمیت قائل شده آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد» (مائده / ۱۰۵). بر اساس آیه شریفه انسان باید به درون خود بپردازد و به درجه و مرتبه‌ای از هدایت درونی دست یابد که گمراهان توان آسیب رسانی را به او نداشتند. این معنای دقیق خودفرمانی درونی است که فرد را قادر می‌سازد ضمن حضور در متن جامعه و قرار گرفتن در عرصه ارتباطات خود را به انواع آلودگی نیالاید و دیگران را که بهره‌ای از تقوا برده‌اند تربیت کنند. با تکیه بر تربیت دینی از عنصر عقلانیت و تقوای حضور و ارزیابی و نقادی تشکیل یافته می‌تواند حضوری فعال در پیشگیری از ورود انحراف داشته باشد.

از جمله آیاتی که بر وجدان دلالت می‌کند آیه ۲ سوره مائده است. هنگامی که آیه مبارکه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ «یکدیگر را بر نیکی و پارسائی یاری دهید و همدیگر را بر گناه و دشمنی کمک ننمائید» بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد مردی به نام *وایسه* خدمت رسول اکرم (ص) آمده گفت: ای رسول خدا سؤالی دارم حضرت فرمود: من بگویم سؤال تو چیست؟ گفت: بفرمائید. فرمود: آمده‌ای از معنای برّ و تقوا و هم از معنای اثم و عدوان سؤال کنی. گفت: آری می‌خواهم معنای این‌ها را بدانم. در متن روایت اینگونه وارد است که پیامبر انگشتان خود را بر سینه *وایسه* زده سه مرتبه فرمود: یا *وایسه* «اسْتَفْتِ قَلْبِكَ، اسْتَفْتِ قَلْبِكَ، اسْتَفْتِ قَلْبِكَ» یعنی سه مرتبه فرمود: این سؤال و استفتاء را از قلب خود بکن یعنی خدا این شناخت را به صورت الهام به قلب هر بشری داده است (فیض کاشانی، *محجة البیضاء*: ۱ / ۵۸). بر این اساس، دل انسان طوری ساخته شده است که پیوندی دارد با نیکی‌ها آرام می‌گیرد ولی بدی‌ها و زشتی‌ها آن را مضطرب و ناراحت می‌کند. درست همانگونه که بدن انسان اگر چیزی که با آن تجانس و هماهنگی ندارد واردش شود، نظم آن را به هم می‌زند و کار ارگان‌های مختلف آن را مختل می‌سازد، روح انسان نیز به واسطه اعمال ناشایست دچار اختلال و ناراحتی می‌شود. آنچه که در میان ما عذاب وجدان نامیده می‌شود ناشی از همین عدم

تجانس روح است با زشتکاری و تباهی. «استفت قلبک وان افتاک المفتون»: «نظر واقعی را از قلبت بپرس، اگر چه صاحب‌نظران به خلافتش نظر دهند». پیامبر بر این نکته انگشت می‌گذارد که اگر انسان جوینده حقیقت باشد و برای کشف حقیقت، خود را بی طرف و خالص بکند، در این صورت قلب او هرگز به او خیانت نخواهد کرد و او را در مسیر صحیح هدایت خواهد کرد.

معالجه و درمان امراض نفسانیه

قاعده کلی در درمان امراض و رفع و دفع صفات رذیله بدین صورت است که بعد از آنکه آدمی انحراف اخلاق خود را از حد اعتدال یافت و صفت بدی در خود دید باید ابتدا افعالی که ضد آن است و از آثار صفت پسندیده است که در مقابل آن قرار گرفته، مرتکب شود (مثل بخل که صفت رذیله است در برابر آن صفت سخاوت و بخشندگی قرار گرفته است). این به منزله غذای ضد مرض و طبع و مزاج است چنانچه که حرارت و گرمی را با غذاها و میوه‌های سرد دفع و خنثی می‌شود. اگر این عمل بی فایده بود، برای درمان امراض و بیماری‌های نفسانی، به سرزنش و ملامت نفس پرداخته شود و در دل و زبان خود را نکوهش نموده و بدی‌ها و ناخوشی‌های آن صفت را در دل بگذرانند و تصور کند و به زبان آورد ای نفس اماره و مکاره مرا و خود را هلاک کردی و در معرض غضب پروردگار در آوردی، وقتی مرگت فرا رسد باید در آتش با مار و عقرب قرین و با اشرار و شیاطین همنشین شوی (نراقی، ۱۳۸۷: ۶۶)؛ *خواجه نصیر طوسی* نیز توییح، سرزنش، مذمت نفس چه با طریق فکر، چه به قول و چه به عمل را به عنوان یکی از راهکارهای درمانی برای امراض نفسانی معرفی می‌کند. او معتقد است استعمال این روش با روش دارو درمانی در طب متناظر است (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). بر این اساس *ملا احمد نراقی* و *خواجه طوسی* علاوه بر تشخیص خوبی و بدی، راه درمان و معالجه بیماری‌های نفسانی را با کمک وجدان می‌دانند، هر چند نامی از وجدان در کتابشان نمی‌آورند. اصل شمردن عیوب و تلاش برای رفع آن جزء دستورهای شیوه درمانی و پیشگیری علمای اخلاق اسلامی قرار گرفته است. پیش از *ملا احمد نراقی*، *خواجه نصیر طوسی* نیز بدین اصل توصیه نموده است. *خواجه نصیر تفحص و واکاوی* در عیوب خویش را به منظور حفظ

صحت نفس را سفارش نموده و می‌گوید: «باید حافظ صحت نفس عیوب خویش به استقصای تمام طلب کند و بر آن اقتصار ننماید» (طوسی، ۱۳۸۹: ۱۶۵). به نظر علمای اخلاق اسلامی ارزیابی و بازبینی رفتار توسط خود فرد به سبب شناخت و اشرافی که فرد بر خود دارد بهترین روش برای شناسایی عیوب و رفع آن‌ها است.

نتیجه بحث

انسان فطرتاً دارای وجدان و خودفرمانی درونی است، وجدان هر آدمی با روح و عقلش ارتباط دارد. وجدان آدمی به دو دسته سالم و منحرف تقسیم می‌گردد و وجدان سالم و آگاه دارای مطلوب نهایی و رساندن انسان به کمال مطلوب و سعادت ابدی است. وجدان سالم را کارکردهای متفاوتی در قرآن و روایات از جمله آن‌ها شناسایی حسن و قبح، مذمت نفس، قضاوت و حسابگری و محاسبه نفس و نگهبان و واعظ درونی است. علمای اخلاق اسلامی مانند نراقی و طوسی، وجدان بیدار و آگاه و سالم را در معالجه و درمان و پیشگیری امراض نفسانی ابتدا با حسابگری و واکاوی در عیوب نفس و سپس در توبیخ و سرزنش و ملامت به عنوان دارو و مرهمی بر زخم‌ها و بیماری‌های روحانی و نفسانی است. هرچند به طور مستقیم اسمی از وجدان در کتب خویش نبوده‌اند و این به عقیده مؤلف مقاله بدین خاطر است که امکان انحراف وجدان انسان وجود دارد. مکتب وجدان‌گرایی نیز کارکردهایی چون شناسایی خوب و بد، دستور به خوبی و نهی از بدی، نشان دادن راه صحیح و تکامل به انسان و سرزنش را برای وجدان تبیین نموده و در میان عملکردهای وجدان آنچه که در منابع اسلامی مطرح شده که در مکتب اخلاقی غربی وجدان‌گرایی نیامده، مسأله پر اهمیت و مهم حسابگری و محاسبه نفس است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. بی تا، **تحف العقول**، ترجمه احمد جنتی، تهران: مؤسسه امیرکبیر.
ابن طاووس، علی بن موسی. ۶۶۴ق، **محاسبة النفس**، ترجمه عباس علی محمودی، تهران: فیض کاشانی.

انیس و دیگران. ۱۳۸۲ش، **فرهنگ المعجم الوسیط**، ترجمه بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی.
آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین. ۱۳۴۶ش، **شرح غرر الحکم**، تألیف تمیمی تهران: دانشگاه تهران.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. ۱۴۱۰ق، **غرر الحکم ودرر الکلم**، محقق / مصحح: سید مهدی رجائی، چاپ دوم، قم: دار الکتاب اسلامی.

جعفری، محمد تقی. ۱۳۹۵ش، **وجدان**، مصحح: علی جعفری و همکاران، تدوین: عبدالله نصری، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۷ش، **تفسیر موضوعی قرآن**، قم: نشر اسراء.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۹۰ش، **مفردات**، ترجمه حسین خداپرست، قم: دفتر نشر نوید.
ریچلز، جیمز. ۱۳۹۲ش، **عناصر فلسفه اخلاق**، ترجمه محمود فتحعلی و علیرضا آل بویه، قم: پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی.

شیروانی، علی. ۱۳۷۸ش، **چکیده اخلاق در قرآن**، قم: انتشارات دار الفکر.

طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۲۱ق، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمد حسین. بی تا، **مختصر تفسیر المیزان**، ۶ جلدی، پدیدآور: الیاس کلانتری، تهران: اسوه.

فیض کاشانی، محمد محسن. ۱۴۲۸ق، **محجة البیضاء**، ویرایش علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

قرشی، علی اکبر. ۱۳۷۰ش، **قاموس قرآن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

قمی، عباس. ۱۴۱۴ق، **سفینه البحار**، چاپ اول، قم: اسوه.

کلینی، محمد بن یعقوب. بی تا، **اصول کافی**، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه.

لیثی واسطی. ۱۳۷۷ش، **عیون الحکم والمواعظ**، تحقیق: حسین حسنی بیرجندی، بی جا: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.

- مجتبوی، جلال الدین. ۱۳۹۳ش، *گزیده اخلاق اسلامی* (ترجمه جامع السعادات محمد مهدی نراقی)، چاپ دوم، تهران: انتشارات حکمت.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، محقق / مصحح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۶۸ش، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۴ش، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۱ش، *اخلاق در قرآن*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۹۳ش، *معارف قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۶ش، *آشنایی با قرآن*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۴ش، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۱ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۷ش، *اخلاق در قرآن*، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- نراقی، احمد. ۱۳۸۷ش، *معراج السعادة*، چاپ اول، قم: انتشارات آیین دانش.
- نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد. ۱۳۸۹ش، *اخلاق ناصری*، به کوشش سیاوش خوشدل، تهران: فراهانی.

Bibliography

- Holy Quran
- Nahj Al Balaghah
- Ibn Shuba Harani, Hassan Ibn Ali. *The Gift of Minds*, translated by Ahmad Jannati, Tehran: Amirkabir Institute.
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 664 AH, self-calculation, translated by Abbas Ali Mahmoudi, Tehran: Feyz Kashani.
- Anis et al. 2003, *Farhang al-Mujam al-Wasit*, translated by Bandar Rigi, Tehran: Islamic Publications.
- Mr. Jamal Khansari, Mohammad bin Hussein. 1346, *Sharh Gharr al-Hakam*, by Tamimi Tehran: University of Tehran.
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad. 1410 AH, *Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam*, researcher / editor: Sayyid Mahdi Raja'i, second edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

- Jafari, Mohammad Taqi 2016, Vajdan, Editor: Ali Jafari et al., Editor: Abdullah Nasri, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari.
- Javadi Amoli, Abdullah 1998, Thematic Interpretation of the Qur'an, Qom: Esra Publishing.
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. 2011, contents, translated by Hossein Khodaparast, Qom: Navid Publishing Office.
- Rachel, James. 2013, Elements of Philosophy of Ethics, translated by Mahmoud Fath Ali and Alireza Al-Bouyeh, Qom: Research Institute of Islamic Philosophy and Theology.
- Shirvani, Ali 1999, Abstract of Ethics in the Quran, Qom: Dar Al-Fikr Publications.
- Tabatabai, Mohammad Hussain 1421 AH, Tafsir al-Mizan, translated by Mohammad Baqir Mousavi, Qom: Seminary Teachers Association, Islamic Publications Office.
- Tabatabai, Mohammad Hussain, Brief Interpretation of Al-Mizan, 6 volumes, Author: Elias Kalantari, Tehran: Aswa.
- Faiz Kashani, Mohammad Mohsen 1428 AH, Al-Bayda Mosque, edited by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Islamic Publishing Institute.
- Ghorashi, Ali Akbar. 1991, Quran Dictionary, Tehran: Islamic Bookstore.
- Qomi, Abbas 1414 AH, Ship of the Sea, first edition, Qom: Aswa.
- Klini, Muhammad ibn Ya'qub, Usul Kafi, translated by Mohammad Baqir Kamrahi, Qom: Aswa.
- Laithi Wasati. 1998, Ayoun al-Hakam wa al-Mawa'iz, research: Hossein Hassani Birjandi. Dar Al-Hadith Cultural Institute.
- Mujtaba, Jalaluddin 2014, Selected Islamic Ethics (Comprehensive translation of Mohammad Mehdi Naraghi), Second Edition, Tehran: Hekmat Publications.
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi 1403 AH, Sea of Lights, researcher / editor: a group of researchers, second edition, Beirut: Dar Ihiyaa al-Tarath al-Arabi.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 1989, Society and History from the Perspective of the Quran, Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 2005, Critique and review of ethical schools, research and writing by Ahmad Hossein Sharifi, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 2012, Ethics in the Quran, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 2014, Quran Education, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Motahari, Morteza 1997, Introduction to the Quran, Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza 2005, Collection of works, Tehran: Sadra.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1992, Sample Interpretation, Tehran: Islamic Bookstore.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1998, Ethics in the Quran, first edition, Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) School.
- Naraqi, Ahmad 2008, Ascension of Happiness, first edition, Qom: Ain Danesh Publications.
- Nasir al-Din al-Tusi, Muhammad ibn Muhammad. 2010, Nasiri ethics, by Siavash Khoshdel, Tehran: Farahani.

Status of Moral Conscience in Qur'an and Hadiths

Nasibeh Olamaie: Instructor, Almahdi Non – governmental University, Sepahan, Isfahan

Abstract

Conscience is the esoteric perception by which man finds the path to perfection. As an inner self-guide and human guide, he is sometimes healthy and sometimes deviated and does not have the necessary efficiency due to the lack of proper religious education. Conscience has an important place in some Western moral schools and has been introduced as the basis of moral actions and it is a wonderful thing and has a motivating power in judging according to Kant. The Rousseau school also defines functions for the conscience, which are summarized in this study. In this regard, the present study seeks to define the position and explain the functions of conscience in the Qur'an and hadiths. Conscience has various uses that it is necessary to distinguish between them.

Keywords: conscience, blame, deviation, treatment, mental illness.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی